

نگاهی مختصر به قصاید سعدی

زهره فاروقی*

سعدی یکی از شاهکارهای آفرینش و موهبت پروردگار توانا به سرزمین ایران است. مرتبی اخلاق، راهنمای بهترین سیاست، حکیم دانشمند دارای قلب رقیق، دارای حس لطیف و ذوق سلیم، که نوع بشر را دوست دارد و دستگیری و نوازش آنان را واجب می‌شمرد. مقدر بود که زبان فارسی به دست او کمال یابد، و در اندک زمان نام گرامی و آوازه جهانگیرش از حدود کشور ایران گذشت و در عالم علم و ادب او را به عظمت و بزرگی چنان ستایش کردند که آثارش ورد زبان عالم گشت.

گردش روزگار از شرح حال و زندگانش اثرات روشنی بر جای نگذاشته، تنها و بهترین قسمت شرح زندگانش از زوایای آثارش نمایان گشته که کم و بیش پرده‌های تاریک تاریخ حیاتش را کنار می‌برد.

این مرد بزرگ، شیخ مصلح‌الدین شیرازی، ملقب به سعدی، در سالهای اول سده هفتم هجری در شیراز قدم به عرصه وجود نهاد. پدرش از مقربان اتابک شاه بود. سعدی برای تکمیل فنون ادب و تحصیل علوم دینی به مدرسه نظامیه بغداد که از بزرگترین مدارس اسلامی در تمام ادوار است، داخل شد و در آنجا تحت تربیت استادان بزرگی چون امام غزالی و عبدالقادر سهروردی قرار گرفت. پس از تکمیل تحصیلات، در اطراف عالم به سیاحت پرداخت. به عراق و شام و حجاز مسافرت کرده و حج گزارده و در اواسط سده هفتم هجری، هنگامی که ابوبکر سعد بن زنگی از

* استادیار مدعو بخش فارسی دانشگاه جواهرلعل نهر، دهلی نو.

اتابکان سلغری در فارس فرمانروایی داشت، به شیراز بازآمد. در سال ۶۵۵ هجری کتاب خود، معروف به بوستان را به نظم آورد و در سال بعد گلستان را تصنیف نمود و در نزد اتابک ابوبکر (۶۲۳-۶۶۸ ه) و بزرگان دیگر مخصوصاً پسر ابوبکر که «سعد» نام داشت و شیخ انتساب به او را برای خود تخلص قرارداد، قدر و منزلت یافته و گاهی در ضمن قصیده و غزل به بزرگان و امرای فارس و سلاطین مغول معاصر و وزرای ایشان پند و اندرز می‌داد. امروز عنوان مقاله ما متعلق به قصاید شیخ است که قصاید نغزی سروده و چیره‌دستی خود را در آن آشکار و هویدا ساخته است.

سعدی از آن نیک‌بختانست که در زمان خود حتی از اوان جوانی صیت شهرت خود را شنید و شهرت او در زمان اتابک ابوبکر به اوج رسید. در «بوستان» می‌گوید:

که سعدی که گوی بلاغت ربود در ایام بوپکر بن سعد بود^۱

تعداد قصاید فارسی شیخ براساس نسخه تصحیح شده مرحوم محمد علی فروغی پنجاه و سه قصیده، شامل یکهزار و چهارصد و سی (۱۴۳۰) بیت است. موضوع این قصاید در توحید، نعت رسول اکرم^(ص)، وصف بهار و پند و اندرز و مدح اتابکان فارس، ایلخانان مغول، وزیران و کارگزاران آنان است. ممدوحین عمده سعدی عبارتند از: اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی (متوفی: ۶۶۸ ه)، ششمین پادشاه سلسله سلغریان یا اتابکان فارس و پسر او سعد بن ابوبکر که سعدی انتساب خاص به او داشته و گویا تخلصش هم از او بود و اتابک محمد بن ابوبکر سعد بن زنگی و ترکان خاتون دختر اتابک و محمود شاه از اتابکان یزد و اتابک سلجوق شاه بن سلغر شاه بن سعد بن زنگی و اتابک البش خاتون، دختر اتابک سعد بن ابوبکر، نیز امیران و حاکمان فارس، مانند: امیرانکیانو و مجدالدین رومی و وزرا و دانشمندان، مانند: صاحب دیوان

۱. سعدی شیرازی، شیخ مشرف‌الدین: بوستان سعدی، ص ۸.

شمس‌الدین محمد جوینی، وزیر نامی هلاکو و برادرش عطاء ملک جوینی فرزند بهاء‌الدین محمد^۱ (متوفی: ۶۸۰ هـ)، از حکام و دانشمندان زمان و نظایر آن. می‌بینیم که بهترین قصیده‌پردازان زبان فارسی در سده ششم هجری می‌زیستند، مانند: مسعود سعد سلمان (متوفی: ۵۱۵ هـ)، انوری (متوفی: ۵۸۷ هـ) و خاقانی شیروانی (متوفی: ۵۹۵ هـ)؛ اما از سده هفتم هجری به بعد اولاً قصیده به شدت در مقابل غزل عقب نشست و ثانیاً به طور کلی حال و هوای آن دگرگون گشت و نخستین کسی که این تغییر را به صورت جدی حس و مطرح کرد، سعدی است؛ اما قصاید سعدی، قصاید جدیدی است و به قصاید کهن نمی‌برد. در «سبک‌شناسی شعر» دکتر سیروس شمیسا می‌گوید:

“قصیده او قصیده سبک عراقی است که اولاً زبان لطیفی دارد و بسیاری از مختصات کهن و خشن فارسی قرون نخستین را فروهشته است و ثانیاً به لحاظ فکری به جای مدح و اغراق مشتمل بر اندرز و موعظه و گونه مضامین عرفانی مانند است و ثالثاً به لحاظ ادبی زبانی استعاری و بدیعی دارد.”^۲

پس ما می‌بینیم که سعدی از بزرگان عصر خود مداحی کرده است، اما مدایح او هیچ شباهتی به ستایشهای گویندگان دیگر ندارد. نه تملق می‌گوید نه مبالغه می‌کند، بلکه سراسر گفتارش موعظه و اندرز است و متملقان و گزافه‌گویان را سرزنش می‌نماید و ممدوحان خود را به داد و دهش، مهربانی، دلجویی از فقرا و ضعفا، ترس از خدا، تهیه توشه آخرت و تحصیل نام نیک، ترغیب و تحریص می‌نماید. چه شخص عادی باشد چه امیر و چه حکمران، به رعایت نیکی، دادگری و پرهیزگاری سوق می‌دهد. ویژگی مهم شعری سعدی این است که بی‌پرده و صریح است. وی شرنگ تلخ نصیحت را به شهد ظرافت آمیخته و آن را حتی در کام امرا فرومی‌پذیرد.

۱. رضازاده شفق، دکتر: تاریخ ادبیات ایران، ص ۲۵۳.

۲. شمیسا، [دکتر] سیروس: سبک‌شناسی شعر، انتشارات فردوس، ۱۳۷۴ هـ ش، ص ۲۲۳.

داروی تربیت از پیر طریقت بستان
 کادمی را بتراز علّت نادانی نیست
 عالم و عابد و صوفی همه طفلان رهند
 مرد اگر هست به جز عارف ربّانی نیست^۱

این وصف سعدی به او امتیاز خاص می‌بخشد و از این حیث نسبت به تمام گذشتگان برتری پیدا می‌کند، همانا عبارتست از اینکه وی با شهامت شگفت‌انگیزی شاهان و امیران زمان را به عدل و نیکوکاری می‌خواند؛ حتی آنان را با سپردن روزگار و گذشتن جاه و جلال و تغییر احوال متنبّه ساخته و بیدار می‌کند و این گونه اندرز دلیرانه تا آن زمان نه تنها در ادبیات ایران، بلکه در ادبیات همه جهان سابقه نداشت و می‌توان آن را نمونه و دلیل فکر آزاد و فرهنگ عالی کشورها گرفت. در ضمن قصیده مدیحه مجدالدین که در سال ۶۸۰ هجری حکومت شیراز را داشت، می‌گوید:

جهان بر آب نهاده است و زندگی برباد
 غلام همّت آنم که دل بر او ننهاده
 در قصیده‌ای در ستایش علاءالدین عطاء ملک جوینی، مؤلف تاریخ جهانگشا و برادر صاحب دیوان که حاکم عراق عرب و خوزستان بود (۶۳۳-۶۸۱ هـ)، این بیت آمده:

اگر همین خور و خوابست حاصل از عمرت
 به هیچ کار نیاید حیات بی حاصل
 نه تنها قصاید مدیحه استاد به همین روش متوجّه به پند و راهنمایی است، بلکه قصایدی نیز سرتاسر به قصد اندرز سروده شده، مانند قصیده‌ای که با مطلع زیر آغاز می‌کند:

خوشست عمر دریغا که جاودانی نیست پس اعتماد بر این پنج روز فانی نیست

۱. سعدی شیرازی، شیخ مشرف‌الدین: کلیات سعدی، تصحیح محمد علی فروغی، مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۷۲ هـ.ش، ص ۷۹۲.

از این چند مثال می‌توان دید که سعدی در قصاید بیشتر توجه به هدایت افکار و انتباه مردم و حق‌پروری و دادگستری داده، نه که وصف ممدوح می‌کند. در آخر عمر در شیراز عزلت گزید و در حدود ۶۹۱ هجری از دنیا و آرزوها و آلام آن چشم فرو بست. مزارش به مقام دلگشا در دامن کوه واقع است و تا امروز مرجع خلائق است و اکنون به نام «سعدیه» معروف است، ولی حق آن است که خود سعدی گفته:

بعد از وفات تربت ما در زمین مجوی در سینه‌های مردم عارف مزار ماست

منابع و مأخذ

۱. سعدی شیرازی، شیخ مشرف‌الدین: بوستان سعدی، سب رنگ کتاب گهر، دهلی‌نو، ۱۳۷۴ هجری.
۲. سعدی شیرازی، شیخ مشرف‌الدین: گلستان سعدی، سب رنگ کتاب گهر دهلی‌نو، ۱۹۲۰ م.
۳. شعار، [دکتر] جعفر: گزیده قصاید سعدی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۲۹ ه.ش.
۴. شفق، [دکتر] رضازاده: تاریخ ادبیات ایران، ۱۳۲۱ ه.ش.
۵. شمیسا، [دکتر] سیروس: سبک‌شناسی شعر، انتشارات فردوس، ۱۳۷۴ ه.ش.
۶. صفا، [دکتر] ذبیح‌الله: تاریخ ادبیات ایران (جلد سوم).
۷. فروغی، محمد علی (مصحح): کلیات سعدی، مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۷۲ ه.ش.
۸. معتقد، احسان: سعدی چه می‌گوید، تهران، ۱۳۲۵ ه.ش.

* * *

